بسم الله الرحمن الرحيم

سیل سرشک

(ترجمه ی کتاب العبرات مصطفی لطفی المنفلوطی)

مترجمان:

دکتر قاسم مختاری

محمود دهنوی

نوذر عباسی

منفلوطی، مصطفی لطفی،۱۹۲۴-۱۸۷۲
سیل سرشک،مصطفی لطفی المنفلوطی؛ مترجمان قاسم مختاری، محمود دهنوی، نوذر عباسی. اراک: دانشگاه اراک، ۱۳۸۹
ISBN: 978-964-7320-41-2
۲۳۳ ص..
۱.داستانهای کوتاه عربی- قرن۲۰م.
الف.مختاری، قاسم، مترجم ب.دهنوی، محمود، مترجم ج.عباسی، نوذر د.عنوان
۸۹۲ / ۷۳۶
س۷۹۸م

نام کتاب : ..... سیل سرشک
مؤلف: ..... مصطفی لطفی منفلوطی
مترجمان: ..... دکتر قاسم مختاری، محمود دهنوی، نوذر عباسی
ویراستارعلمی- أدبی :.....دکتر سید ابوالفضل سجادی
ناشر: .....انتشارات دانشگاه اراک
نوبت چاپ: .....اول
سال چاپ:..... ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۵۰۰
شابک:..... ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۲۰-۴۱-۲
قیمت: ..... ۳۸۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش:
کتابیران، میدان انقلاب، خیابان نصرت، خیابان دکتر قریب، نرسیده به خیابان فرصت، پلاک ۱۱، تلفن ۶۶۵۶۶۵۱۰-۱۵

تقدیم به تو

ای بهانه ی خلقت آدم، هوایی ترین سیب آرزو، بهشت دمیده در دل منتظران

ای ستاره ی بر آمده در دل یلدایی ترین شبهای بی چراغ.تو می آیی تا زمین

سبک سیر وزن خود را در

غرور تو احساس کند و آسمان بلند جز بر مدار عدالت تو نگردد.

و تقدیم به

توای مادر مهربان و پدر رنج کشیده ا م و ای بهانه ی زندگی

و تقدیم به

همه ی آنانی که زندگی را با شرافت می گذرانند و از لذت های آغشته به گناه بدورند.

تشکر و قدر دانی

سپاس خدای را که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

و سپاس آنانکه دوستیشان موجب سعادت دنیا وآخرت و لطفشان نویدبخش الطاف الهی است.

برخود واجب می دانیم از همه ی بزرگوارانی که با زحمات بی شائبه ی خویش، ما را در این راه یاری فرمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم؛ بویژه از اساتید ارجمند: جناب آقای دکتر محمد جرفی «عضو هیئت علمی دانشگاه اراک» و جناب آقای دکتر سید مهدی مسبوق «عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا» که با راهنمایی ها و نظارت خویش ما را در ترجمه ی این کتاب یاری فرمودند.

همچنین از سرکار خانم شبنم منصوری و سرکار خانم پرستو حاتمی و جناب آقای بهروز حسین‌آبادی و جناب آقای شهرام کاکامرادی و جناب آقای مهدی آشناور که ویرایش اولیه و صفحه آرایی کتاب را بر عهده گرفتند کمال تشکر را داریم .

امید است اساتید بزرگوار و خوانندگان محترم، با ارائه ی پیشنهادات و انتقادات خود، ما را در اصلاح کاستی ها و ایرادهای این اثر یاری فرمایند.

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

مقدمه ی مترجمان ۹-۱۲

مجموعه داستانها ۱۳-۲۰۴

۱. یتیم ۱۳-۲۵
۲. شهدا ۲۷-۴۶
۳. حجاب ۴۷-۶۴
۴. خاطره ۶۵-۸۲
۵. جهنم ۸۳-۹۶
۶. مکافات ۹۷-۱۱۵
۷. مجازات ۱۱۷-۱۳۲
۸. قربانی ۱۳۳-۱۷۱
۹. یادداشت‌های مارگارت ۱۷۱- ۲۰۴

فهرست‌های مترجمان ۲۰۵-۲۳۳

۱. فهرست رمان نویسان جهان عرب همراه با برترین آثارشان ۲۰۷-۲۱۶
۲. فهرست داستان پردازان جهان عرب همراه با برترین آثارشان ۲۱۷-۲۲۶
۳. فهرست نمایشنامه نویسان جهان عرب همراه با برترین آثارشان ۲۲۷-۲۲۹
۴. فهرست کتاب‌های مورد مراجعه مترجمان ۲۳۱-۲۳۳

مقدمه مترجمان

مصطفی لطفی منفلوطی در سال ۱۲۹۳ هـ در شهر منفلوط مصر در خانواده ای متدین و مذهبی و اهل علم و ادب پا به عرصه ی وجود نهاد. پدرش «محمدبن محمد» نام داشت که نسب او به امام حسین(ع) باز می گردد و مادرش «هانم حسین الشوربجی» ترک زبان بود.

دروس ابتدایی را در مکتب خانه های منفلوط پشت سرگذاشت. از همان اوان کودکی شروع به حفظ قصائد و خواندن کتابهای ادبی نمود و قرآن را نیز حفظ کرد. سپس به قاهره رفت و به دانشگاه «الازهر» پیوست و علوم دینی و لغت را فرا گرفت. به حلقه ی درس «محمدعبده» پیوست و در همین زمان بود که با «سعد زغلول» و «علی یوسف» صاحب روزنامه ی «المؤید» آشنا شد.

منفلوطی در مبارزات ملی از یاران سعد زغلول بود. سعد هنگامی که از تبعید بازگشت برخی از کارهای نویسندگی در وزارت معارف و وزارت دادگستری را بر عهده ی او گذاشت؛ ولی او این منصب را رها کرد و به کار روزنامه نگاری پرداخت و مقالاتی را در روزنامه ی «المؤید» به چاپ رساند.

در اواخر زندگیش، شغل نویسندگی در مجلس نمایندگان بدو سپرده شد، تا اینکه در سال ۱۳۴۳هـ درگذشت.

منفلوطی در خانواده ای فقیر زیست. اختلاف پدر و مادر و بدنبال آن جدایی آندو تأثیر شگرفی بر روحیه و احساس او گذاشت. وی طعم فقر، حقارت، اندوه و غصه را چشیده بود؛ بنابراین طبیعی بود که بدبختی و مصیبت دیگران و مشکلات جامعه را

به خوبی درک کند. او غم و اندوه دیگران را غـم و انـدوه خـود مـی انگاشـت و بـر مصیبت آنان اشک می ریخت و تلاش می کرد به آنان یاری رساند.

آثار منفلوطی

منفلوطی در ابتدا علاقه ی زیادی به شعر داشت، ولی دیری نپایید که از شعر به سوی نثر بویژه داستان نویسی گرایش پیدا کرد و کتابهایی را با مضامین برگرفتـه از جامعـه ی مصر روزگار خود نگاشت؛ همچنین کتابهایی را از ادبیات فرانسه ترجمه کرد.

تألیفات

۱- النظرات: مجموعه ی مقالاتی است با موضوعهای اجتماعی، سیاسی و ادبی که در روزنامه ی «المؤید» به چاپ رسانده بود، سپس آنها را در سه مجلد گردآوری و چاپ کرد.

۲- مختارات منفلوطی: که برگزیده هایی از ادبیات عربی می باشد.

ترجمه ها

۱- فی سبیل التاج: برگرفته شده از نمایشنامه ی فرانسوا کوپه.

۲- الشاعر أو، سیرانو دی بر جراک[1]: برگرفته از نمایشنامه ی ادمون روستان.

۳- مجدولین أو، تحت ظلال الزیزفون: برگرفته از رمان آلفونس کار.

٤- الفضیله أو، بول و فرجینی[2]: برگرفته از رمان برناردن دو سن پیر

کتابهای فوق به صورت مستقیم از زبان فرانسه ترجمه شده است؛ منفلوطی در آنها دخل و تصرف بسیاری داشته است.

٥- العبرات (کتاب حاضر): مجموعه داستانهایی نگارشی، همراه با اقتباس از زبان فرانسه.

۱- سیرانو دوبورژوراک

۲- پل و ویرژینی

ویژگیهای ادبی و هنری آثار منفلوطی

وی از جمله نویسندگانی است که عناصر ادبی قدیم، بویژه دوره ی عباسی را با نیازها و خواسته های زمان خویش تطبیق می دهد. او از زیبایی عبارتهای قافیه دار و موسیقی وار «عبدالحمید کاتب» و سبک طبیعی و روان «جاحظ» بهره می گیرد و برای بیان مقاصد خویش از تشبیه ها و مجازهایی برگرفته از طبیعت انسان و جمادات استفاده می کند.

تصویر پردازیهای او زیبا و دلکش است و از ذوق سلیمش تراوش می یابد. در بکارگیری آرایه های بدیعی، آنگونه که در اواخر دوره ی عباسی و دوره ی انحطاط باعث تکلف نثر شده بود، زیاده روی نمی کند. نثر او نمایانگر احساسات و انفعالات درونیش می باشد، و با وجود لغرشهایی که در سبک و سیاقش یافت می شود، ولی سبکی را بر جای گذاشت که به سبک منفلوطی معروف شد و دیگران نیز از او پیروی کردند و حجتی شد برای کسانی که نثر عربی را به رکود و انحطاط متهم می کردند.

منفلوطی در سبک نوشتاری خود تمایل زیادی به اطناب و تفصیل دارد و در توصیفهایش بسیار توضیح می دهد و از معطوفها و صفتها زیاد بهره می گیرد. او همچنین در گزینش واژگان نیز دقت می کند و در گزینش واژگان روان مهارت دارد.

درونمایه آثار منفلوطی

منفلوطی در دوران جوانی با «محمد عبده» آشنا شد. در روزنامه ها و مجلات به نویسندگی پرداخت و از او یک انسان اجتماعی ساخت. از جهت دیگر همانطور که اشاره شد طعم فقر و حقارت را از پیش چشیده بود؛ بنابراین، این دو نکته ی مهم و تعیین کننده در مضمون آثار منفلوطی می باشد.

او با نگاهی منفی و بدبینانه به جامعه ی خود می نگریست، از فساد و بی بند و باری های موجود در جامعه ی مصر رنج می برد و بر این باور بود که این ظواهر تحت تاثیر فرهنگ غربی در جامعه مصر گسترش یافته است. او نگران بود که مبادا جوانان تحت تاثیر این ظواهر گمراه شوند و دین مداران و سیاستمداران فریب ظواهر غربی را خورده و آداب و سنن دینی خویش را به فراموشی بسپارند؛ بنابراین در آثارش بویژه داستانهای کتاب «العبرات» انسانی شرق گرا ظاهر می شود؛ اما در عین حال او انسان متعصبی نیست که فرهنگ غربی را به صورت مطلق طرد کند، بلکه به طرف ادبیات غرب می رود و برخی از داستانهای فرانسوی را برای مصریان ترجمه می کند و به آنها رنگ و لعاب عربی می بخشد. او می خواهد مردم مصر را برانگیزد و آنان را به دین، سنت و جامعه ی سالم فراخواند.

منفلوطی دور نمایه ی آثارش را از محیط اجتماعی اش بر می گیرد. عشق، بدبختی، نومیدی، مرگ، فقر و هر حادثه و داستان دردناک و غم آلودی که جامعه اش را در بحران فرو برده است، از مضامین داستانهایش می باشد.

منفلوطی انسانی با احساس است. به فقیران با احساسی ژرف می نگرد و اشکهایش، «عبرات» را به پای آنان می ریزد و در عین حال با تندی بر ستمگران زمانه می تازد. در داستانهای کتاب «عبرات» اشتیاق فراوانی به اصلاح وضع جامعه از خود نشان می دهد؛ گرچه این داستانها از سبک و سیاق چندان استواری برخوردار نیست؛ ولی در جذب خواننده و تحت تاثیر قراردادنش موفق عمل می کند.

در پایان یادآور می گردد که برای پر بار نمودن کتاب و استفاده ی بهتر خوانندگان، مترجمان به نگارش این مقدمه و افزودن برخی پاورقیها و نیز فهرستی از رمان نویسان و داستان پردازان و نمایشنامه نویسان جهان عرب پرداختند.

مترجمان